

معرفی و بررسی کتاب

رسائل کوتاه کلامی

• مؤلفان محمدی

(عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی)



- پرسمان‌های کلامی: پنج رساله کوتاه کلامی از شیخ مفید، فخرالمحققین، شیخ طوسی، سید مرتضی
- به کوشش و ترجمه علی اوجیبی
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶ش

اهمیت بیش‌تری دارند، اما اهمیت آنان به این معنا نیست که گزاره‌های دیگر، جزء موضوعات علم کلام نیستند. بنابراین وقتی می‌بینیم که قدما به مجموعه خاصی از این گزاره‌ها می‌پرداختند، به این معنا بود که مقتضیات زمان ایشان آن گونه ایجاب می‌کرد، نه آنکه موضوع کلام منحصر در گزاره‌های مورد بحث آنان باشد. به همین ترتیب در عصر کنونی که علوم و معارف بشری پیشرفت فوق‌العاده‌ای کرده است و بشر عقلانیت بیش‌تری بدست آورده است، طبعاً مسائل جدیدی در حوزه علوم و معارف الهی به وجود آمده است که کلام باید به آنها بپردازد.

استدلال کردن و دفاع از گزاره‌های دینی به سه روش عقلانی و فلسفی، تجربی و نقلی و تاریخی انجام می‌شود و این منوط به آن است که گزاره مورد نظر عقلی، تجربی یا تاریخی باشد، بنابراین هنگام تعریف علم کلام، اگر می‌بینیم اکثراً عبارت «دفاع عقلانی از دین» را به کار می‌برند، به معنی حصر روش آن به روش عقلی نیست و شاید به این دلیل باشد که اصل اول در آن استفاده از عقل است.^۲

در هر صورت موضوع بسیار مهم و غایت بسیار ارزشمند علم کلام موجب شده است که در ردیف اساسی‌ترین معارف بشری قرار بگیرد^۳، اما علم کلام تا چه حد به مقصود خود نزدیک شده است و چه میزانی توانسته است در وعده و وعیدهای خود در دفع شبهات اهل شبهه و اثبات گزاره‌های دینی موفق باشد؟ حقیقت این است که علم کلام به هیچ روی نتوانسته است تاکنون موفقیت قابل توجهی کسب کند به خصوص که از قرن هشتم به این سو از تک و پو افتاده و به عبارتی می‌توان گفت که دچار رکود شده است.

پرسمان‌های کلامی نام کتابی است از آقای علی اوجبی، که در آن پنج رساله کوتاه از چهار متکلم بزرگ شیعی به فارسی ترجمه شده است. این رساله‌ها به گفته نویسنده «علی‌رغم حجم کم، شاخص بوده و از ارزش ویژه‌ای برخوردارند، زیرا برخلاف عمده آثار خشک و فنی کلامی، به انگیزه تسهیل در فراگیری علم کلام تألیف شده‌اند»^۱.

علم کلام، علمی است که در آن کوشش می‌شود تا گزاره‌های دینی و مذهبی تبیین، تفسیر و توجیه شود که البته با توجه به اختلاف نظرهایی که در موضوعات دینی هست، وظیفه علم کلام تبیین، تفسیر و توجیه این گزاره‌های مضیق یا موسع می‌شود؛ مثلاً اگر موضوع کلام را همه گزاره‌های موجود در متون مقدس بدانیم، موضوع علم کلام وسعتی به پهنای تمام دین است، و اگر بخواهیم موضوع علم کلام را طبق آنچه متکلمین تاکنون مورد تبیین، تفسیر و توجیه قرار داده‌اند، تعیین کنیم آن وقت می‌توان موضوع یا موضوعات مشخصی را برای آن تعیین کرد. در این میان هستند کسانی که علم کلام را دارای موضوع واحدی می‌دانند و بسیاری از گزاره‌های متون مقدس را در شمار مسائل علم کلام می‌دانند نه موضوع آن^۴، و برخی دیگر آن را دارای یک موضوع سه بعدی می‌دانند: ذات واجب‌الوجود و صفات و افعال او.^۵ البته با در نظر گرفتن تفسیری که ایشان از واجب‌الوجود و صفات و افعال او ارائه می‌دهند، بعید نیست که تمام گزاره‌های موجود در متون مقدس - اعم از گزارش‌های ناظر به ارزش و گزاره‌های ناظر به واقع - را دربر گیرد.

لیکن با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی برخی از این گزاره‌ها



با این امید که این اثر «مورد پذیرش جوانان علاقه‌مند به مباحث کلامی اعتقادی و نیز اساتیدی که در صدد آشنا ساختن هرچه بیشتر و عمیق‌تر دانشجویان با این مباحث هستند»^۱ قرار بگیرد، به کار گردآوری و ترجمه چند رساله کوتاه از متکلمین برجسته شیعی؛ شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و فخرالمحققین متعلق به قرون چهارم، پنجم، هفتم و هشتم هجری همت گمارده است.

ساختار کتاب: کتاب متشکل از پیش‌گفتار، ترجمه پنج رساله:

۱. نکته‌های اعتقادی / فخرالمحققین، ۲. نکته‌های اعتقادی در مبادی علم کلام / شیخ مفید، ۳. مسائل کلامی / شیخ طوسی، ۴. رساله‌ای در باورها و اعتقادات / شیخ طوسی، ۵. فرهنگ اصطلاحات کلامی / سید مرتضی، فهرست منابع و مأخذ و نمایه است.

پیش‌گفتار: در ابتدای پیش‌گفتار بعد از تعریف علم کلام، نویسنده محترم تذکر می‌دهد که در کتاب‌های کلامی تعاریف گوناگونی از علم کلام ارائه شده است که ناشی از اختلاف در موضوع کلام است. این اختلاف نیز خود به دلیل این است که برخی، اصولاً برای این علم، موضوعی قائل نیستند و برخی آن را دارای یک موضوع می‌دانند و دیگران موضوعات متعددی برای آن قائل شده‌اند^۱، و به همین مناسبت به ذکر برخی از این تعاریف می‌پردازد. در حین بحث از گروهی که اعتقاد به عدم وجود موضوع در علم کلام دارند، علت اعتقاد آنان این‌گونه شرح داده می‌شود: «این عده در مواجهه با مسائل متنوع کلامی که روز به روز در حال تحول، نو شدن، تغییر و بالندگی است، از یافتن موضوع و قدر جامع ذاتی میان مسائل علم کلام در مانده‌اند، و از این‌رو به ناچار ضرورت وجود موضوع برای هر علمی و کلیت آن را مورد تردید و انکار قرار داده‌اند و مدعی شده‌اند اینکه هر علمی دارای موضوعی است، ادعایی است که هیچ دلیل منطقی برای اثبات صحت آن وجود ندارد؛ و برای تمایز یک علم از سایر علوم، می‌توان از غرض و آثار مترتب بر آن علم بهره برد»^۲. صرف نظر از صدق یا کذب این مسئله که آیا اصولاً علوم دارای موضوعی هستند یا نه، بهتر

هم اکنون بعد از گذشت قرون بسیار به جزوات و کتاب‌های برجای مانده از قدما بسنده می‌شود؛ گویی زمان، برجای خود ساکن مانده و دیگر پرسش‌نویبی مطرح نشده است که پاسخ‌گویی بدان لازم باشد و بدین ترتیب ارتباط آن با مسائل واقعی، عینی و ملموس جامعه رو به ضعف نهاده است.

با توجه به مطالب فوق، علی‌رغم نیاز مفرطی که به این علم احساس می‌شود به دلیل شور و شوقی که در دفاع و نقد عقلانی از دین ایجاد می‌کند و مانع انحطاط دین متکی بر احساسات و عواطف و گاه تعصب‌ورزی می‌شود، برخی از متفکران و علمای دینی در کارایی و سودمندی این علم تردید دارند و حتی مخالف شدید آن هستند. آن‌چه در ذیل می‌آید ادله برخی از مخالفین علم کلام است که از قول برخی صاحب‌نظران در علم کلام نقل می‌شود:

- در این علوم بی‌جهت بر محتوای گزاره‌های دینی تأکید می‌شود، باورهای اساسی ساده و روشن هستند و آن‌چه حائز اهمیت است، عمل به دین از طریق شعائر، اطاعت از قوانین، جهاد و غیره است.^۳ از نظر این متفکرین نجات و فلاح انسان تنها از طریق ایمان، عمل صالح، تقوا و ورع امکان‌پذیر است.

- علم کلام نه تنها سودی ندارد بلکه گاه مشکلات عقیدتی را پیچیده‌تر و مشکل‌تر کرده است و بدین ترتیب در عامه متدینان اثر منفی گذارده است؛ زیرا اولاً، علم کلام وعده می‌دهد که از تعالیم دینی دفاع عقلانی کند، اما بعید نیست یا بسیار محتمل است که نتواند. ثانیاً، حتی در موارد توفیق هم، این علم، متدینان را با بسیاری شبهات و بدعت‌ها آشنا کرده و آرامش ذهنی و روحی نخستینشان را زایل می‌کند.^۴

- متکلمان از روشی که بیش‌تر به جدل شباهت دارد تا برهان، استفاده می‌کنند و هدف آنان کم‌تر متوجه فهم حقایق دین است و بیش‌تر معطوف به الزام و اسکات خصم و دفاع از موضع خاصی است که اتخاذ کرده‌اند و آن را به عنوان اصل مسلم و اثبات نشده پذیرفته‌اند.^۵

در هر حال نویسنده محترم کتاب پرسمان‌های کلامی، با در نظر گرفتن اهمیتی که علم کلام در حوزه معارف اسلامی دارد و

تحت تأثیر فلسفه سخن می‌گوید و حقیقتاً چنین است؛ کلام و فلسفه در ارتباط و تعامل با یکدیگرند و پیش‌رفت و پس‌رفت هر یک در دیگری تأثیر می‌کند. فلسفه پرسش‌های نویی فراروی متکلمین می‌گذارد و نیز پاسخ‌های نویی به مسائل قدیمی می‌دهد و به متکلمین در ارائه توضیح، استدلال و دفاع از گزاره‌های دینی یاری می‌رساند. از سوی دیگر کلام از این طریق که مسائل جدیدی فراروی فلسفه می‌گذارد موجب پویایی و دگرگونی فلسفه می‌شود.

معرفی متکلمینی که آثار آنان در این کتاب ترجمه شده است یکی دیگر از بندهای پیش‌گفتار را تشکیل می‌دهد. محتوای این بند بیش‌تر به زندگینامه این بزرگان اختصاص دارد و از اندیشه‌های کلامی ایشان جز اندک گفتاری، سخنی به میان نیامده است. ناگفته نباید گذاشت که به نکته بسیار مهمی درباره اندیشه کلامی شیخ مفید اشاره شده است که خوب بود درباره دیگر متکلمین نیز از آن سخنی به میان می‌آمد و آن «عقل‌گرایی و استناد به استدلال و برهان عقلی برای اثبات آموزه‌های اعتقادی»^{۱۳} است. البته اهمیت ذکر این نکته از این باب نیست که درصد تعیین تأثیر عقل‌گرایی متکلم در پیش‌رفت علم کلام باشیم، بلکه اهمیت آن در این کتاب از آن جهت است که بعد از قرن‌ها، وقتی می‌خواهیم این آثار کلامی را به عنوان آثار برجسته و شاخص به خوانندگان عصر حاضر معرفی کنیم، شاید دانستن این نکته برای آنان بسیار مهم باشد که بدانند متکلمی که قرن‌ها پیش از آنان می‌زیسته، به چه میزان رویکرد عقلانی به مسائل دینی و اعتقادی داشته است.

متون ترجمه

۱ - نکته‌های اعتقادی، نگاشته فخرالمحققین

فخرالمحققین در این رساله، بعد از حمد و سپاس خداوند توضیح می‌دهد که: «این رساله، مجموعه‌ای از اعتقاداتی است که دلیل مرا بدان‌ها رهنمون ساخته و اعتماد و تکیه‌ام را بر آنها قوت بخشیده»^{۱۴} و سپس در پنج فصل این اعتقادات را توضیح داده و از آنها دفاع می‌کند: معرفت خدای تعالی و صفات ثبوتی و سلبی او،

بود مسئله در حیطه موضوع علم کلام، مورد بحث قرار می‌گرفت؛ چه همان‌گونه که از مستندات ذکر شده از سوی نویسنده استنباط می‌شود، اختلاف اصلی متکلمان در تعریف علم کلام، ناشی از اختلاف آنان در حیطه موضوع آن است. از این تعاریف این‌گونه استنباط می‌شود: که آنان در هر زمانی با توجه به اهمیتی که به برخی از گزاره‌های دینی می‌داده‌اند و تبیین، تفسیر و توجیه آنها را برای رفع شبهات دینی و دفع اهل شبهه لازم می‌دانستند، موضوعی را برای علم کلام تعریف کرده‌اند و در مقابل آن کسانی هم بوده‌اند و هستند که تفسیر و دفاع از تمامی گزاره‌های دینی را لازم می‌دانند؛ اما این را مانع از آن نمی‌دانند که گاهی برخی از گزاره‌ها با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی از اهمیت بیش‌تر و فوق‌العاده‌ای برخوردار شوند.

در قسمت سیر تاریخی نوشته‌های کلامی، نویسنده آورده است که «علم کلام از بدو تولد (قرن ۲-۳ق) تاکنون، به مقتضای ویژگی‌های ذاتی (تبیینی، اثباتی و سلبی)، گسترش افق فکری مخاطبان، ورود شبهات و پرسش‌های جدید، تهذیب و تکمیل ادله اثباتی و شرایط و ضرورت‌های زمانی، سیر تکاملی طی کرده و هر روز بر گستره مسائل و عمق و غنای مباحث آن افزوده شده است.»^{۱۵} به کار بردن کلمه «سیر تکاملی» نباید این شبهه را ایجاد کند که سیر تکاملی کلام با وجود افت و خیزهایی که در آن وجود داشته، تا عصر حاضر ادامه یافته است. همان‌طور که از گفته‌های خود نویسنده نیز به هنگام شرح این سیر تکاملی معلوم می‌شود، این سیر تکامل را تا عصر فخرالمحققین (قرن هفتم و هشتم قمری) بیش‌تر ادامه نمی‌دهد، به نظر می‌آید منظور ایشان هم از کاربرد «سیر تکاملی» تا قرن هشتم باشد و الا بعد از آن، این علم بیش از آنکه روند تکاملی را طی کند دچار سکون و رکود شده است. علاوه بر این گزینش رساله‌های کلامی متعلق به قرون چهارم تا هشتم هجری قمری نیز شاهد این مدعا است که قرن هشتم دوره اوج شکوفایی و آغاز رکود کلام شیعی است.

نوع مسائل کلامی و تنوع آنها در ادوار مختلف، مسئله مهم دیگری است که در این قسمت بدان اشاره شده است. نویسنده در این جا به طور ضمنی از بهبود کمی و کیفی مباحث کلامی



شده است؛ از این رو ارتباط منطقی پرسش‌ها و پاسخ‌های آنها کم‌تر از رساله فخرالمحققین است. مباحث رساله وی به ترتیب عبارت‌اند از: معنی واژه‌هایی که در نظر کردن به کار رفته و ماهیت اعراض (تعریف واژه‌هایی مانند نظر کردن، فکر، عقل، علم، معرفت، یقین، شک و ماهیت اعراض مانند، جسم، جوهر، عرض، اجتماع، حرکت و غیره)، حدوث عالم، اثبات آفریننده و تبیین صفاتش (حدوث عالم و اثبات آفریننده، برخی از صفات خداوند)، نفی تشبیه (نفی شباهت خداوند به هیچ یک از آفریدگانش، برخی از صفات او)، توحید (وحدانیت خداوند و برخی لوازم آن)، نبوت (جواز ارسال پیامبران، نیکویی ارسال پیامبران و لطف به خلق، عدم توانایی آوردن مثل قرآن)، امامت (امامت امیرالمؤمنین(ع) و دیگر ائمه(ع))، وعد و وعید (ثواب عقاب گناهکاران).

۳ - مسائلی کلامی، نگاشته شیخ طوسی

مباحث این کتاب همان‌طور که از نام آن پیداست مسئله محور است؛ یعنی در هر فصلی مسائلی ذکر می‌شود و دلیل آنها آورده می‌شود. فصول این کتاب به ترتیب عبارت‌اند از: خدای تعالی و صفاتش (وجوب معرفت خدای تعالی و برخی صفات ثبوتی و سلبی وی از قبیل: وجود، قدم، قدرت، تعلق به مکان، ترکیب و غیره)، نبوت (نبوت محمد بن عبدالله(ص))، عصمت و خاتمیت او، امامت (امامت علی بن ابیطالب(ع) و دیگر ائمه(ع))، عصمت ائمه(ع)، غیبت و ظهور امام عصر(عج))، معاد (حقانیت و صدق گفتار پیامبر(ص)).

۴ - رساله‌ای در باورها و اعتقادات، نگاشته شیخ طوسی

این رساله دومین رساله کلامی شیخ طوسی است که در این کتاب آورده شده است. شیخ طوسی در ابتدای آن ایمان را این‌گونه تعریف می‌کند: «تصدیق به وجود خدا و پیامبر(ص) و آنچه او و ائمه(ع) آورده‌اند»^{۱۸} و خاطر نشان می‌کند که تمامی این موارد به دلیل، اثبات شده است و از روی تقلید نیست. سپس ارکان ایمان را نام می‌برد و به اختصار هر یک را تعریف می‌کند. در این رساله

عدل، نبوت، امامت و معاد. فخرالمحققین در ابتدای مباحثش در فصل اول به خواننده مطالب خود خطاب می‌کند: «ای خردمند»^{۱۵}، گویی با این خطاب به خواننده می‌فهماند که باید با رویکردی عقلانی با مسائل اعتقادی مواجه شد و از او می‌خواهد که خود را در جایگاه پرسش‌شونده و پرسنده قرار دهد.^{۱۶} بنابراین در هر مبحثی با ایجاد سؤال در ذهن خواننده او را به چالش می‌اندازد و سپس به سؤال خود پاسخ داده و آن را تبیین می‌کند و سعی دارد دلیل پاسخ خود را نیز به همان شیوه پرسش و پاسخ بیان کند. فصول رساله او و عناوین مطالبی که در هریک از آنها آورده شده است به ترتیب عبارت‌اند از: معرفت خدای تعالی و صفات ثبوتی و سلبی او (حدوث موجودات ممکن، قدم واجب‌الوجود، برخی صفات ثبوتی و سلبی خداوند)، عدل (عدالت خداوند و ادله عدالت وی)، نبوت (وجوب نصب انبیاء و رسولان، معرفی نبی امت مسلمان و ادله نبوت، عصمت و خاتمیت او)، امامت (اقتضای نصب امام، تعریف امام، لزوم معصومیت امام و دلیل آن، اعلام امامت علی بن ابیطالب(ع) و دیگر ائمه(ع))، معرفت حضرت مهدی(ع) به عنوان امام عصر، ادله وجود و غیبت وی، معاد (زنده شدن موجودات پس از مرگ و ادله عقلی و نقلی آن و عوالم حشر و نشر).

۲ - نکته‌های اعتقادی در مبادی علم کلام، نگاشته شیخ مفید

شیخ مفید معتقد است که نظر کردن و تفکر، نخستین چیزی است که خداوند بر بندگانش واجب کرده است؛ زیرا دستیابی به معرفت الهی، جز تفکر کردن و نظر کردن در دلایل‌های خداشناسی هیچ راهی ندارد.^{۱۷} از نظر وی مکلف جهت آشنایی با واجبات باید اندیشه و استدلال کند؛ از این رو بحث اول رساله‌اش را به تبیین واژه‌هایی اختصاص داده است که در مقدمات نظر کردن به کار می‌رود.

مباحث رساله او نیز مانند فخرالمحققین به صورت پرسش و پاسخ بیان شده‌اند، لیکن اختصار بیش‌تری در آنها به چشم می‌خورد و در اکثر موارد به یک پاسخ کوتاه اکتفا شده است. به عبارت دیگر بیش از ارائه کیفی مطالب به کمیت آنان اهمیت داده

مسائلی به میزان عصر آنان باشد. با در نظر گرفتن نکات فوق و با وجود انبوه مسائل و پرسش‌های نوین در حوزه اندیشه دینی، متفکرین در صدد برآمده‌اند که با بازبینی مجدد در این علم و رواج واژه‌های جدید به نام «کلام جدید» تحولی در این علم بوجود بیاورند که متناسب با مقتضیات عصر حاضر باشد. لیکن روی آوردن به کلام جدید نباید به معنای دست شستن از کلام قدیم باشد؛ اگر در صدد ایجاد بنای نویی هستیم به هر حال باید بر پایه‌های محکم بنای قدیمی ساخته شود تا استواری و استحکام بیش‌تری داشته باشد.

پی‌نوشت

۱. پرسمان‌های کلامی، ص ۲۲.
۲. نقد و نظر، سال اول، ش ۲، ۱۳۷۴ ش، اقتراح، رضا داوری، ص ۳۳.
۳. همان، جعفر سبحانی، ص ۳۳.
۴. نقد و نظر، سال اول، ش دوم، ۱۳۷۴ ش، اقتراح، جعفر سبحانی، ص ۳۷.
۵. پرسمان‌های کلامی، ص ۷.
۶. نقد و نظر، سال اول، ش سوم و چهارم، ۱۳۷۴ ش، محمد لگنهاوزن، ص ۲۱.
۷. همان، مصطفی ملکیان، ص ۲۳.
۸. همان، غلامرضا اعوانی، ص ۲۴.
۹. پرسمان‌های کلامی، ص ۲۵.
۱۰. همان، صص ۸-۱۰.
۱۱. همان، ص ۱۰.
۱۲. همان، ص ۱۱.
۱۳. همان، ص ۱۵.
۱۴. همان، ص ۲۸.
۱۵. همان ص ۲۹.
۱۶. همان.
۱۷. همان، ص ۶۴.
۱۸. همان، ص ۹۶.

با وجود شباهت بسیاری که با رساله پیشین دارد، حجم کم‌تری از مسائل کلامی آورده شده و در عوض ادله آنها به طور مفصل‌تر بیان شده‌اند. رساله وی مشتمل بر پنج فصل است که در هر فصل، ادله‌ای را در ارتباط با هر یک از ارکان ایمان ذکر می‌کند. فصول رساله وی عبارت‌اند از: خدا و صفاتش (وجود خدا، حدوث جهان و برخی صفات ثبوتی و سلبی خدا)، عدل (عدالت خدا)، نبوت (نبوت حضرت محمد(ص)، عصمت و خاتمیت وی)، معاد (صدق گفتار پیامبر(ص) درباره احوال معاد، حقانیت شفاعت وی و ائمه(ع))، امامت (امامت علی بن ابیطالب(ع) و ائمه(ع)، حیات و وجود امام قائم(عج) و بقای او تا نابودی این امت).

۵ - فرهنگ اصطلاحات کلامی، نگاشته سید مرتضی

فرهنگ اصطلاحات کلامی ابتکار ارزنده سید مرتضی در تعریف برخی از مبادی علم کلام و اصول دین است که به ترتیب حروف الفبا آمده است. از نظر سید مرتضی معرفت حقایق اشیاء برترین معارف است که خدای تعالی آن را به اولیای خود ارزانی می‌دارد، از این رو آن‌گاه که برخی از شاگردان و دانشجویانش از وی می‌خواهند که مبادی علم کلام و اصول دین را برای ایشان تعریف کند، این رساله کوچک را به رشته تحریر در می‌آورد.

همان‌گونه که مشاهده شد به جز رساله سید مرتضی، چهار رساله دیگر دارای مباحث تقریباً مشترکی هستند. مسائل اساسی آنها با توحید آغاز می‌شود و بعد از ذکر نبوت، عدل و امامت، به معاد ختم می‌گردد. گویی در ذهن این متکلمان پرسش‌های خاصی خلجان داشته که آنان را وادار کرده است که این رسائل را بنویسند و گویی پرسش‌های اساسی در روزگار آنان اختصاص به این مسائل داشته است. علاوه بر آن شیوه بیان مسائل، تفسیر و استدلال کردن آنان نیز تقریباً یکی است که شاید نشئت گرفته از تفاسیر فلسفی مشترک آنان باشد. در هر صورت نوع مسائل و شیوه بیان و دفاع از آنها مقتضای عصر این متکلمین بوده است و بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در حاضر نیز رغبت و حس کنجکاو بر دانستن چنین مسائلی به اندازه عصر آنان باشد و نیز نباید انتظار داشت که رضای حاصل از نحوه استدلال بر چنین